

مقایسه مفهوم شرکت مادر تخصصی و تابعه با شرکت‌ها و عناوین مشابه در حقوق ایران و امریکا

فریده امیریان جهرمی *

سید محسن حسینی پویا **

مجتبی زاهدیان ***

چکیده

بند ۲۲ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۴)، شرکت مادر را شرکتی تعریف کرده است که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر با هدف کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیئت مدیره را انتخاب کند یا در انتخاب اعضای هیئت مدیره مؤثر باشد. به نظر می‌رسد این تعریف، تمایز درستی بین شرکت‌های مادر با شرکت‌های مشابه (شرکت سرمایه‌گذاری و شرکت هلدینگ) و عناوین مشابه (ادغام شرکت‌ها، جونت ونچر و تراست) و تعیین جایگاه مشخصی برای شرکت‌های تابعه با شرکت مشابه (شرکت وابسته) و عناوین مشابه (شعبه و نمایندگی) در قوانین مالی و تجاری قائل نشده است. شرکت مادر تخصصی و هلدینگ‌ها با شرکت‌های تابعه و عناوین مشابه شباهت‌هایی دارند، ولی یکی نیستند. تفاوت‌ها و تمایزهایی زیادی میان این عناوین وجود دارد که آثار زیادی بر این تفاوت‌ها بار می‌شود. در مقاله پیش رو به مقایسه شرکت‌های مادر تخصصی و تابعه با دیگر شرکت‌ها و عناوین مشابه در حقوق ایران و امریکا می‌پردازیم. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد به علت نبود قوانین و مقررات جامع و فنی در زمینه شرکت‌های مادر تخصصی و هلدینگ‌ها، اصطلاح شرکت هلدینگ و شرکت تابعه، با شرکت‌ها و عناوین مشابه به طور یکسان به کار می‌رود. این در حالی است که هر نوع، مقررات خاص خود را دارند و از نظر حقوقی، ساختار این شرکت‌ها با یکدیگر متفاوت و متمایز است. همچنین شرکت‌های مادر تخصصی دولتی به عنوان نوع خاصی از هلدینگ‌ها قابل بررسی هستند که در نظام حقوق اداری ایران، جایگاه آن‌ها به درستی تبیین نشده است.

کلیدواژه‌ها: شرکت مادر تخصصی، شرکت هلدینگ، شرکت تابعه حقوق امریکا، حقوق ایران، شرکت

* دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

amirian.farideh@gmail.com

** استادیار، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

m.hoseini.p@mshdiau.ac.ir

*** استادیار، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

zahedian.mojtaba@yahoo.com

مقدمه

حقوق به مفهوم عینی را قواعدی تاریخ‌مند و هدف‌مند می‌سازد که برای رفع احتیاجات بشر و تنظیم روابط اشخاص در جامعه وضع می‌شوند. حیات و اعتبار هر قاعده حقوقی به کارآمدی و ایفای نقشش وابسته است. بر اساس این گزاره و تحولاتی که حقوق سازمان‌های تجاری پیموده است، می‌توان گفت این تحول سه‌گانه دیالکتیکی بوده است: مشارکت مدنی و قالب سازمانی که در مرحله اول ظاهر شده است. در مرحله دوم، شرکت‌های تجاری به عنوان واحد حقوقی به منصفه ظهور رسیدند و در مرحله سوم با شناسایی حق سهام‌داری برای شرکت‌های تجاری، مرحله ظهور گروه‌های شرکتی آغاز شد.^۱

گروه شرکت‌ها که پدیده جدید جهان تجارت هستند، به ویژه در سال‌های اخیر به دلیل مزایای متعددی که داشته‌اند، با استقبال فراوان روبه‌رو شده‌اند. ارتباط بین شرکت‌های واقع در گروه، گاهی به ایجاد رابطه تبعیت و وابستگی میان دو شرکت می‌انجامد که از یکی به عنوان شرکت مادر و از دیگری با عنوان شرکت تابعه یاد می‌شود.

پدیده گروه شرکتی برای اولین بار با اعطای حق سهام‌داری به شرکت‌های تجاری توسط قانون‌گذار ایالت نیوجرسی در سال ۱۸۸۹ میلادی و متعاقب آن، شکل‌گیری شرکت‌های مادر و هلدینگ ظهور کرد. عنوان گروه شرکتی به جز در موارد نادر، تعریف قانونی نشده است، ولی از نظر حقوق‌دانانی که آن را مطالعه کرده‌اند، عبارت است از مجموعه‌ای از شرکت‌های دارای شخصیت حقوقی که تحت کنترل مشترک شرکت دیگر به عنوان شرکت مادر یا هلدینگ قرار دارند. گروه نیز به مفهوم بنگاهی واحد است که دارای شش عنصر کنترل، یک‌پارچگی اقتصادی، وابستگی اداری، وابستگی مالی، وابستگی نیروی کار و وجهه عمومی مشترک باشد.^۲

ماهیت حقوقی شرکت‌های مادر بسته به نظام‌های حقوقی متفاوت است و در حال حاضر، تعریفی جامع و یکنواخت از مفهوم شرکت هلدینگ و شرکت تابعه وجود ندارد. بررسی ماهیت حقوقی شرکت‌های مادر در قوانین مختلف از این نظر اهمیت دارد که نبود قانون مشخص در مورد شرکت‌های مادر در قانون تجارت ایران، به دلیل به‌روز نبودن این قانون و در نتیجه، نبود تعریف جامع و مانع از این شرکت‌ها سبب شده است در تعریف‌هایی که در ایران از شرکت مادر ارائه می‌شود، با شرکت‌ها و عناوین مشابه آن در یک معنی به کار گرفته شود.

۱. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی، ۱۳۹۳، ص ۵۴۹.

۲. عابدی فیروزجانی، ابراهیم، «*بررسی دکتربین گروه شرکت‌ها در حقوق بانکی*»، فصل‌نامه مطالعات

حقوق خصوصی، ۱۳۹۹، دوره پنجاهم، شماره ۲، ص ۳۰۶.

شرکت مادر تخصصی، شرکتی است که با دارا بودن چند شرکت تابعه و اعمال نفوذ و کنترل بر آن‌ها، شرکت‌های تحت پوشش را در مسیر ارزش‌آفرینی و هم‌افزایی هدایت و رهبری می‌کند. شیوه اداره شرکت‌های مادر که گروهی از شرکت‌ها هستند، با یک شرکت معمولی یکسان نیست و برنامه‌ریزی و کنترل راهبردی در شرکت‌های مادر که بر تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل سلسله‌مراتب و اختیارات اثر می‌گذارد، با شرکت‌های معمولی تفاوت دارد.^۱ شرکت مادر، سازمان بزرگ مالی است که با قبضه کردن سهام شرکت‌ها و سازمان‌های دیگر به صورت مرضی‌الطرفین یا به اجبار تشکیل می‌شود و از نظر حقوقی، تمامی اختیارات شرکت‌های عضو را بر عهده می‌گیرد.^۲ با توجه به فرآیند خصوصی‌سازی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، مفهوم شرکت مادر تخصصی دولتی نیز به وجود آمده که ناظر بر شرکت‌هایی است که در قالب سهام دولتی تصدّی‌گری می‌کند.

قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران نیز با اهدافی هم‌چون بهره‌برداری بهینه از منابع موجود کشور و افزایش بهره‌وری شرکت‌های دولتی، بالا بردن سطح تولید و خدمات‌رسانی از طریق شرکت‌هایی با بهره‌وری بالاتر، شرکت‌های هلدینگ را تأسیس کردند. در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در فصل دوم مربوط به سازمان‌دهی شرکت‌های دولتی، این‌گونه مصوب شد: «به منظور سازمان‌دهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌ها و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌ها و فراهم آوردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آن‌ها در بخش دولتی غیر ضروری است، به دولت اجازه داده می‌شود تا شرکت‌های دولتی را در قالب «شرکت‌های مادر تخصصی» سازمان‌دهی نموده و در چارچوب اساس‌نامه مربوط اداره نماید».^۳

بر اساس بند «ب» ماده ۱۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت مادر تخصصی یا اصلی، شرکتی است که سهام‌دار مستقیم آن، دولت یا رییس مجمع عمومی آن، رییس جمهوری است. این نوع شرکت‌ها نیز امروزه بخش مهمی از شرکت‌های دولتی را مدیریت می‌کنند و از نظر نظام حقوقی و آثار با شرکت‌های مادر در معنای عام تفاوت‌هایی دارند. در این پژوهش، با مطالعه تطبیقی به دنبال بررسی مفاهیم مختلف در مورد انواع شرکت‌ها هستیم.

۱. سبحان‌اللهی، محمدعلی، حسین رحمان دشت و فرزانه اصلی بیگی، «الگوی تعامل استراتژیک در شرکت‌های هلدینگ»، مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳۹۱، شماره ۱۲، ص ۶۳.

۲. رضایی، علی، «مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه»، مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۶، دوره هشتم، شماره ۱، ص ۱۵۹.

۳. دهقانی نیری، مرضیه، «بررسی اثربخشی و کارآیی شرکت‌های هلدینگ (منتخب) با روش BSC»، اولین کنفرانس سازمان‌های هلدینگ: کارکردها و چالش‌ها، ۱۳۹۰، ص ۲۱.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق ایران، مقرراتی منظم و منقح در خصوص انواع مختلف شرکت‌ها وجود ندارد و نظام حقوقی موجود، مبهم است و ایرادهای حقوقی دارد. هم‌چنین در خصوص شرکت‌های مادر تخصصی دولتی می‌توان گفت این شرکت‌ها، شرکت‌های دولتی یا تحت کنترل دولت هستند، ولی با توجه به جمع شدن دیگر شرکت‌های دارای موضوع مشابه در زیرمجموعه آن‌ها، نوعی وظایف اداری دولتی را نیز اعمال می‌کنند که در درون خود ممکن است نوعی همکاری بخش دولتی با بخش غیر دولتی را به همراه داشته باشد.

گفتار اول. مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

امروزه شرکت‌های مختلفی در عرصه تجارت جهانی به وجود آمده‌اند که از لحاظ مفهومی و تعریفی با شرکت‌های سابق التأسیس متفاوت هستند. در این گفتار، به بررسی مفهوم انواع شرکت‌های مورد بحث در این تحقیق می‌پردازیم.

بند اول. شرکت مادر تخصصی دولتی

هدف‌ها و انگیزه‌هایی که مهندسی مجدد شرکت‌های دولتی را در چارچوب و سازمان شرکت‌های مادر تخصصی مطرح کرد، عبارتند از:

۱. تفکیک وظایف حاکمیتی از وظایف تصدّی‌گری دولت؛
۲. مهندسی مجدد شرکت‌های دولتی و سازمان‌دهی آن‌ها تحت پوشش شرکت‌های مادر تخصصی بر اساس زمینه فعالیت؛
۳. کاهش تعداد شرکت‌های دولتی از طریق کاهش شرکت‌های دارای فعالیت مشابه؛
۴. نظم‌دهی شرکت‌های دولتی بر اساس زمینه فعالیت شرکت‌ها و تحت پوشش قرار دادن این گونه شرکت‌ها تحت یک شرکت مادر تخصصی؛
۵. تسهیل اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی.

ماهیت شرکت‌های مادر تخصصی دولتی با کارکردهای بخش خصوصی اقتصاد و بازارهای متشکل اقتصادی انطباق بیش‌تری دارد. ساختار شرکت مادر تخصصی شبیه شرکت‌هایی با چند ساختار چند مدیریتی است و از این نظر، دارای این ویژگی‌هاست:

۱. اعمال مدیریت مطلوب: در ساختارهای شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری، تفکیک مدیریت از مالکیت به صورت کارآمد انجام می‌شود.
۲. واگذاری تصمیم‌ها و برنامه‌های عملیاتی به شرکت‌های عملیاتی زیرمجموعه: شرکت مادر، فعالیت‌های برنامه‌ریزی، ارزیابی و کنترل را پی‌گیری می‌کند و منابع مالی را متناسب

با برنامه‌ها بین شرکت‌های عملیاتی تخصیص می‌دهد. در برابر آن، شرکت‌های عملیاتی، برنامه‌های عملیاتی را با تمرکز و تخصص پی‌گیری می‌کنند.

۳. امکان ورود به بازارها و فعالیت‌های جدید: زمینه‌های جدید فعالیت برای مجموعه شرکت مادر تخصصی و شرکت‌های زیر مجموعه آن با استفاده از ساختار شرکت‌های مادر تخصصی فراهم می‌شود. امکان تجزیه مجدد فعالیت‌ها و ایجاد شرکتی جدید یا تخصصی به ویژه به طور بالقوه، زمینه‌های تخصصی شدن در یک فعالیت را فراهم می‌آورد.^۱ دو مزیت اساسی از کارکرد شرکت‌های مادر دولتی قابل انتظار است که عبارتند از: ایجاد توانایی و تعدیل با تغییر موقعیت‌های بازار و امکان گذار منظم به سوی ساختار مالی مناسب و به‌هنگام در چارچوب زمانی انعطاف‌پذیر و مناسب. نبود تمرکز و توسعه رقابت در فعالیت‌های اجرایی در بخش دولت در سطوح ملی و منطقه‌ای در اصل نبود تمرکز در قدرت اقتصادی - تجاری، مزیت اصلی شرکت مادر در بخش دولتی است. وجود مشکلات تعیین‌کننده ساختاری - مدیریتی و مالی - اقتصادی در بخش شرکت‌های دولتی به ویژه در دو دهه اخیر، لزوم اصلاح نظام مدیریتی - تشکیلاتی سازمان‌های دولتی و بهره‌گیری از نظام شرکت‌های مادر تخصصی در مهندسی مجدد شرکت‌های دولتی را در برنامه سوم توسعه مطرح کرد.^۲

شرکت مادر تخصصی در قانون برنامه سوم توسعه به عنوان نماینده صاحب سهام در مجمع عمومی شرکت‌های دولتی نقش ایفا می‌کند. این به مفهوم جدا شدن شرکت‌های دولتی موجود از بدنه دولت و سامان‌دهی آن‌ها در شرکت‌های مادر تخصصی است. محور عمده برای تدوین اساسنامه شرکت‌های مادر تخصصی در تصویب‌نامه ۱۳۸۱/۱/۲۱ هیئت وزیران پس از تصویب ابلاغ شده است. بر مبنای تصویب‌نامه پیش‌گفته و نیز تصویب‌نامه ۱۳۸۰/۵/۲۰، حدود ۷۰ شرکت مادر تخصصی باید تشکیل می‌شد. برخی از این شرکت‌ها دارای زیرمجموعه‌ای از شرکت‌های دولتی هستند و برخی نیز این زیرمجموعه را ندارند.^۳

قانون برنامه سوم توسعه به عنوان اولین مجموعه یک‌پارچه، برنامه خصوصی‌سازی را در فصل سوم خود ترسیم کرد و بر این اساس، هیئت وزیران و هیئت عالی واگذاری به عنوان نهادهای سیاست‌گذار در برنامه خصوصی‌سازی و سازمان خصوصی‌سازی و شرکت‌های مادر تخصصی به عنوان عوامل اجرایی تعریف شدند. از نکات برجسته فصل سوم قانون

۱. گودرزی، پروین، «ارتباط شرکت مادر تخصصی با واحدهای زیرمجموعه و نقش صورت‌های مالی تطبیقی»، فصل‌نامه حسابرسان، ۱۳۸۱، شماره ۱۴، ص ۸۶.

۲. خوش‌پور، حسن، «شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بررسی تطبیقی آن با شرکت‌های مادر تخصصی در فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی»، مجله اقتصاد ایران، ۱۳۸۲، سال دوم، دوره دوم، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۵.

۳. هوشمند، محمود و همکاران، «تحلیل عملکرد شرکت‌های واگذارشده به بخش خصوصی از طریق بورس و اوراق بهادار طی برنامه سوم توسعه»، مجله دانش و توسعه، ۱۳۸۹، سال هفدهم، شماره ۳۳، ص ۸۰.

برنامه سوم توسعه، پیش‌بینی و ایجاد یک سازمان مستقل و متولی برای واگذاری سهام شرکت‌های دولتی است و در همین زمینه، سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی به سازمان خصوصی‌سازی تغییر نام داد. در سال ۱۳۸۰ بر اساس تصویب‌نامه هیئت وزیران، سازمان خصوصی‌سازی علاوه بر انجام وظایف محول‌شده برای واگذاری سهام شرکت‌های دولتی، خود به عنوان یک شرکت مادر تخصصی تعیین شد تا سهام خود را در شرکت‌های دولتی نیز عرضه کند و بفروشد.^۱

این شرکت‌ها به لحاظ فنی کاملاً منطبق بر ساختارهای نظری و فنی هلدینگ‌ها نیستند. از این رو، در ایران، شاهد شرکت‌های مادر تخصصی هستیم که شرکت‌های سرمایه‌پذیر ندارند و این مغایر است با تعریف استاندارد که از شرکت هلدینگ صورت گرفته است. علت این امر آن است که هدف دولت از ایجاد شرکت‌های مادر تخصصی، بیش‌تر جدا کردن بخش حاکمیت از بخش تصدی‌گری بوده و برای رسیدن به این هدف بر آن شده است تا شرکت‌هایی را که دارای زمینه فعالیت واحدی هستند، جمع کند و تحت پوشش هلدینگ تخصصی یک شرکت قرار دهد، هر چند ممکن است این هلدینگ‌ها در واقع، با ساختار نظری و فنی هلدینگ منطبق نباشند.^۲

در بند ۱۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت‌های دولتی تقسیم‌بندی شده است. در این تقسیم‌بندی، شرکت مادر تخصصی یا اصلی، شرکتی است که سهام‌دار فرعی و اصلی آن، به صورت مستقیم، دولت است و شرکت فرعی، شرکتی است که سهام‌داران آن، شرکت‌های مادر تخصصی یا اصلی باشند. این نوع طبقه‌بندی کاملاً ضروری و مفید است، ولی یکی از ایرادهای این طبقه‌بندی، تمایز نگذاشتن میان شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های اصلی است. این طبقه‌بندی برای کامل شدن به سه سطحی شدن نیاز دارد.^۳

۱. قالیباف اصل، حسن و فائزه رنجبر درگاه، «بررسی اثر نوع مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها (تجربه خصوصی‌سازی در ایران)»، مجله تحقیقات مالی، ۱۳۸۴، شماره ۱۹، ص ۱۳۵.

۲. ذوالفقاری، پگاه، «تبیین ماهیت حقوقی شرکت‌های مادر تخصصی و رابطه آن‌ها با شرکت‌های تابعه و دولت»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲، ص ۸.

۳. فاطمی، سید محمدحسین، «شرکت‌های دولتی: مبانی، تعریف و طبقه‌بندی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مطالعات بخش عمومی، ۱۴۰۰، شماره مسلسل: ۱۷۷۸۳، ص ۱۲

بند دوم. شرکت هلدینگ

از شرکت مادر (Holding Company/Parent Company) که به شرکت هلدینگ یا شرکت دارنده، شرکت کنترل‌کننده، شرکت مالک، شرکت صاحب سهم و شرکت اصلی نیز یاد می‌شود، تعریف‌های متعددی ارائه شده است. شرکت مادر، سازمان بزرگ مالی است که با قبضه کردن سهام شرکت‌ها و سازمان‌های دیگر به صورت مرضی‌الطرفین یا به جبر تشکیل می‌شود و از نظر حقوقی، تمامی اختیارات شرکت‌های عضو را بر عهده می‌گیرد.^۱ شرکت مادر، شرکتی است که از طریق داشتن مالکیت سهام، فعالیت‌های شرکت‌های دیگر را کنترل می‌کند. در تعریف دیگر، به شرکت کنترل‌کننده که فعالیت اصلی آن، خرید سهام قابل کنترل (بیش از ۵۰ درصد سهام) یک یا چند شرکت دیگر است، شرکت مادر اطلاق شده است.^۲

در اساس‌نامه نمونه شرکت‌های مادر تخصصی که در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۹ به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده، از دو معیار «نفوذ قابل ملاحظه» و «کنترل» برای بیان رابطه وابستگی استفاده شده است. به موجب بند ۳ ماده ۱، نفوذ قابل ملاحظه یعنی توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد تجاری، ولی نه در حد کنترل سیاست‌های یادشده. نفوذ قابل ملاحظه معمولاً از طریق انتخاب حداقل یک عضو هیئت مدیره (یا دیگر ارکان اداره‌کننده مشابه) صورت می‌گیرد. در بند ۴ نیز کنترل، توانایی راهبری سیاست‌های مالی و عملیاتی یک شخص حقوقی به منظور کسب منافع از فعالیت‌های آن تعریف شده است.^۳

شرکت هلدینگ، شرکتی است که دارای سهام ممتاز یا عمده چندین شرکت دیگر است، به این معنا که در هیئت مدیره آن شرکت‌ها، حداقل یک عضو نماینده دارد. بنابراین، دارای حق رأی است و می‌تواند از این طریق، آن شرکت‌ها را مدیریت و کنترل کند و از مزایای حاصل از کسب و کارهای مختلف نیز منتفع شود.^۴

از تعریف‌های مختلف، این نکته به دست می‌آید که شرکت مادر، شرکتی است که

۱. میرزاخانی، رضا، «بررسی فقهی اوراق مرابحه مبتنی بر سهام برای تأمین مالی شرکت‌های زیر مجموعه هلدینگ»، گزارش مرکز پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، شماره ۱۵۴۹، ص ۹.

۲. زندهدل، بابک و یاسر زاهدی قاسمیان، «فرآیندهای استراتژیک در سازمانهای هلدینگ» ماهنامه تدبیر، ۱۳۸۶، شماره ۱۸۲، ص ۴.

۳. احمدزاده، حامد، «نقش شرکت‌های مادر تخصصی در حقوق تجارت بین‌الملل»، همایش ملی استانداردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، حقوق و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱.

۴. زندهدل و زاهدی قاسمیان، پیشین، ص ۲۱.

حداقل یک شرکت دیگر را تحت کنترل و مدیریت خود دارد. بدیهی است کنترل یک شرکت می‌تواند از راه‌های مختلفی حاصل گردد. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که سبب کنترل یک شرکت توسط شرکتی دیگر می‌شود، تملک سهام شرکت تابع است. صرف تملک سهام باعث کنترل شرکت دیگر نمی‌شود، بلکه میزان تصاحب سهام باید به گونه‌ای باشد که شرکت مالک بتواند با انتخاب مقام‌های تصمیم‌گیر در شرکت تابع از جمله هیئت مدیره، در تصمیم‌گیری‌های شرکت و از جمله اداره آن نقشی مؤثر ایفا کند. به همین دلیل، برخی، میزان تصاحب سهام شرکت تابع را حداقل پنجاه درصد اعلام کرده‌اند.

بند ۲۲ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۶)، شرکت مادر یا هلدینگ را چنین تعریف کرده است: «شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیئت مدیره را انتخاب کند یا در انتخاب اعضای هیئت مدیره مؤثر باشد». بنابراین، از منظر قانون بازار، ملاک تشخیص شرکت مادر و تابع، تملک آن میزان سهامی است که می‌تواند هیئت مدیره را انتخاب کند یا در انتخاب آن مؤثر باشد.

در اساس‌نامه نمونه شرکت‌های مادر/ هلدینگ (سهامی عام) که در ۱۳۸۹/۱۰/۱۱ به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده، از دو معیار «نفوذ قابل ملاحظه» و «کنترل» برای بیان رابطه وابستگی استفاده شده است. به موجب بند ۳ ماده ۱، نفوذ قابل ملاحظه عبارت است از توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد تجاری، ولی نه در حد کنترل سیاست‌های یادشده. نفوذ قابل ملاحظه معمولاً از طریق انتخاب حداقل یک عضو هیئت مدیره (با دیگر ارکان اداره‌کننده مشابه) صورت می‌گیرد، اما ممکن است از روابط یا قراردادهای دیگر ناشی شود که اجازه مشارکت مؤثر در سیاست‌گذاری را به واحد سرمایه‌گذار می‌دهد. در بند ۴ نیز کنترل به معنای توانایی راهبری سیاست‌های مالی و عملیاتی یک شخص حقوقی به منظور کسب منافع از فعالیت‌های آن تعریف شده است.

بند سوم. شرکت تابعه

شرکت تابعه، شرکتی است که اکثریت سهام، بیش‌ترین حق رأی و اختیار انتخاب بیش‌تر مدیران آن در اختیار شرکت مادر است.^۱ شرکت تابعه به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که شرکت مادر، آن‌ها را تحت کنترل خود دارد. از شرکت تابعه ممکن است با دو مفهوم یاد شود؛

۱. فیضی چکاب، غلام‌نبی و همکاران، «اجرای قاعده اصیل واقعی در شرکت‌های مادر و تابعه: مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، فقه امامیه و حقوق ایران»، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۳۹۹، شماره ۲۵، ص ۱۵۳.

یکی، شرکت فرعی (Subsidiary Company) و دیگری، شرکت وابسته (Affiliated Company). شرکت‌های مادر به دلیل برخورداری از بخش‌های مختلف و شرکت‌های تابعه و مدیران و کارکنان در سازمان‌های تابعه نیازمند تدوین استراتژی کلان و مدون هستند تا سیاست‌های واحد و استراتژی‌های منسجمی را به شرکت‌های تابعه ابلاغ کنند. شرکت‌های تابع می‌توانند بر اساس سیاست‌ها و راهبردهای مدون و کلان سازمانی، برنامه‌های عملیاتی خود را هم‌سو کنند.^۱ در تعریف شرکت فرعی چنین آمده است: «شرکتی است که درصد سرمایه‌گذاری شرکت اصلی در آن، بیش از ۵۰ درصد بوده و یا کنترل آن در اختیار شرکت اصلی است». در مقابل، «شرکت وابسته به شرکتی اطلاق می‌شود که مدیریت آن از سوی شرکت مادر تعیین و کنترل می‌شود، ولی سرمایه‌گذاری شرکت مادر در آن، کم‌تر از ۵۰ درصد سهام می‌باشد». به تعبیر دیگر، یک واحد تجاری سرمایه‌پذیر، زمانی شرکت وابسته شمرده می‌شود که ضمن فرعی نبودن، چنین شرایطی داشته باشد:

۱. حق رأی سرمایه‌گذار در واحد یادشده قابل ملاحظه باشد (حداقل ۲۰ درصد)؛
۲. سرمایه‌گذار نفوذ قابل ملاحظه‌ای در سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکت سرمایه‌پذیر داشته باشد.

۳. سرمایه‌گذار به حفظ منابع خود به صورت یک سرمایه‌گذار در بلندمدت تمایل نشان دهد. با توجه به نبود الزامات قانونی در خصوص چگونگی فعالیت گروه شرکت‌ها و همچنین نبود تعریف جامع از شرکت‌های مادر، تابع، فرعی و وابسته در قانون تجارت ایران، کنترل شرکت‌ها از سوی شرکت دیگر از طریق تحصیل بیش از ۵۰ درصد سهام آن‌ها صورت می‌گیرد و شرکتی که بیش از ۵۰ درصد سهام آن در اختیار شرکت دیگر باشد، شرکت تابعه تلقی می‌شود.

گفتار دوم. بررسی تطبیقی شرکت مادر با دیگر مفاهیم نزدیک

ترکیب واحدهای تجاری به اشکال مختلفی صورت می‌پذیرد که در نتیجه آن، انواع مختلف شرکت‌های ترکیبی از جمله شرکت هلدینگ ایجاد می‌شوند. شرکت‌های مادر، موارد مشابه متعددی دارند که در این بخش به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین شرکت مادر با دیگر شرکت‌ها و عناوین مشابه آن خواهیم پرداخت. این موارد عبارتند از: شرکت سرمایه‌گذاری، شرکت هلدینگ، ادغام شرکت‌ها، جوینت ونچر و تراست که به ترتیب به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱. خسروانی، فرزانه و همکاران، «رویکرد استراتژی مذاکره و بازتاب مفاهیم جهت طراحی و تدوین استراتژی‌های کلان سازمانی (مورد مطالعه: شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی)»، پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، ۱۴۰۰، دوره ششم، شماره ۳، ص ۵۲.

بند اول. مقایسه شرکت مادر با شرکت سرمایه‌گذاری

شرکت‌های سرمایه‌گذاری در فصل ۱۵ قانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری آمریکا (۱۹۴۰) تحت عنوان شرکت‌هایی تعریف شده‌اند «که هدف عمده و اصلی آن‌ها در تجارت، سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار است». شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گر مالی غیر بانکی هستند. به این صورت که این شرکت‌ها، اشخاص حقیقی و حقوقی را قادر می‌سازند تا از طریق خرید سهام این گونه شرکت‌ها، به طور غیر مستقیم در واحدهای بزرگ تولیدی سرمایه‌گذاری کنند. این شرکت‌ها، سهام یا اوراق قرضه شرکت‌های خصوصی و دولتی دیگر را می‌خرند و در واقع، تأمین‌کننده منابع مالی برای آن‌ها به حساب می‌آیند. در حقیقت، شرکت سرمایه‌گذاری، یک واسطه مالی است که با فروش سهام خویش به عموم، وجوه کافی را به دست می‌آورد و آن‌ها را در مجموعه‌ای از اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌کند. به این ترتیب، اشخاصی که وجوه خود را به خرید سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری اختصاص داده‌اند، در سود و زیان حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها سهیم هستند.

سابقه فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری در ایران به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد. نخستین شرکت سرمایه‌گذاری در ایران، به نام شرکت سرمایه‌گذاری البرز در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد.^۱ در ایران به علت نبود قوانین و مقررات جامع و تکنیکی در زمینه شرکت‌های مادر، اصطلاح شرکت مادر و شرکت سرمایه‌گذاری به طور یکسان به کار می‌رود و تصور عموم بر این است که شرکت سرمایه‌گذاری، همان شرکت مادر است، در حالی که اهداف تشکیل این دو شرکت با یکدیگر متفاوت و متمایز است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، نهادهایی سودآفرین در خرید و فروش سهام هستند، ولی شرکت‌های مادر، نهادهایی هستند که اداره و کنترل شرکت‌های تابعه را بر عهده دارند. این تفاوت نقش، مسئولیت حقوقی بسیار متفاوتی را برای هر دو شرکت در پی دارد.^۲ کارشناسان نیز قائل به تفاوت شرکت مادر و شرکت سرمایه‌گذاری هستند که در ادامه به برخی از این نظرها اشاره شده است.

شرکت‌ها از منظر توانایی اعمال نفوذ در شرکت‌های تابعه و استفاده از این نفوذ در جهت کنترل شرکت‌های تابعه به دو نوع سرمایه‌گذاری و مادر تقسیم می‌شوند. شرکت سرمایه‌گذاری، سود خود را از طریق سرمایه‌گذاری بر سهام شرکت‌های دیگر به دست می‌آورد و نقش کنترل آن‌ها را عهده‌دار نیست. علاوه بر آن، شرکت مادر نقش مدیریت تصمیم‌های شرکت تابعه را بر عهده دارد.^۳ شرکت مادر، یک شرکت سرمایه‌گذاری است،

۱. سام دلیری، یونس، «شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ضرورت وجود آنها در بازار سرمایه کشور»، ۱۳۷۸، مجله اقتصاد، شماره ۴، ص ۱۲.

2-Legum, B., Defining investment and investor; Who is entitled to claim?, Symposium on msking the most of inter-national investment agreements; A common agenda, paris, 2005, p.194

۳. سبحان‌اللهی و همکاران، پیشین، ص ۱۹.

با این تفاوت که شرکت سرمایه‌گذاری با خرید سهام شرکت‌های دیگر از سود سهام و همچنین از افزایش قیمت سهام بهره‌مند می‌شود، بدون آن که در امور اداره این شرکت‌ها دخالتی داشته باشد. این در حالی است که هلدینگ‌ها با خرید سهام شرکت‌های دیگر در امورشان، مشارکت و بر آن تصدی می‌کنند.^۱

تفاوت عمده بین شرکت مادر و سرمایه‌گذاری این است که در شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر مزیت‌های رقابتی و استراتژی بازار در تصمیم‌گیری شرکت سرمایه‌گذاری تأکید می‌شود، در حالی که سیاست‌گذاری‌های شرکت مادر بیش‌تر مدیریتی است.^۲

بنابراین، آنچه از اوصاف شرکت سرمایه‌گذاری و نظرها مشاهده می‌شود، این است که تفاوت شرکت‌های مادر و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در مدیریت و کنترل شرکت‌های تحت پوشش و داشتن عضو هیئت مدیره در آن‌هاست. اگر شرکتی به منظوری جز کنترل کردن، سهام دیگر شرکت‌ها را بخرد، شرکت مادر محسوب نمی‌شود، بلکه شرکت سرمایه‌گذاری است.

از این مورد، می‌توان این تفاوت‌ها را نتیجه گرفت:

۱. شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر خلاف شرکت‌های مادر، هر نوع خرید و فروش سهام را صرفاً به منظور کسب منفعت انجام می‌دهند و قصد هیچ گونه کنترلی ندارند.

۲. هدف اصلی شرکت‌های سرمایه‌گذاری این است که از قیمت سهام در نوسان‌های بازار بهره‌مند شوند و اساساً چشم‌انداز درازمدت برای خرید سهام و علاقه و تعهدی برای نگاه‌داری آن ندارند. بنابراین، به محض مشاهده کاهش چشم‌گیر ارزش سهام یک شرکت، آن را می‌فروشند. شرکت‌های مادر چون به دنبال مدیریت و نگاه‌داری شرکت‌های تابعه خودند و از طریق مدیریت شرکت‌های تابعه و ایجاد هم‌افزایی، قصد رسیدن به سود را دارند، سهام شرکت‌های تابعه را به این سادگی نمی‌فروشند و حتی گاهی با دادن وام به آن‌ها مانع از ورشکستگی‌شان می‌شوند.

۳. شرکت‌های مادر، اکثریت سهام شرکت‌های تابعه را می‌خرند تا قادر به حضور در هیئت مدیره شرکت‌های تابعه باشند. این در حالی است که نوسان در سبب مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری به ارزش سهام وابسته است که معمولاً درصد پایینی از سهام شرکت‌ها را تملک می‌کنند.

۱. شرکت‌کنندگان در میزگرد ماهنامه تدبیر، «شرکت‌های مادر (هلدینگ): الزام یا اختیار؟»، ماهنامه

تدبیر، ۱۳۸۳، شماره ۱۴۷، ص ۶.

2-Hosseini, Seyedeh Roudabeh, Pour Mohammadi Fallah, Mosatfa, Bagherlu, Mohammad & Mahmudian, Tahereh,

“Holding companies; Straegies and their distinction form large orgabizations, investment, trust and merger”, Europe-

an online Journal of Natural and Social Sciences, 2013, No. 3, p. 2929

۴. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سهام شرکت‌هایی را می‌خرند که لزوماً دارای فعالیت همسان نیستند. این در حالی است که بیش‌تر شرکت‌های مادر طبق سیاست‌های مدیریتی خود، سهام شرکت‌هایی را می‌خرند که فعالیت مشابه دارند.

بند دوم. مقایسه شرکت مادر با شرکت هلدینگ

با گسترش نیازهای جامعه، شکل جدیدی از شرکت‌ها به وجود آمدند که در قالب و نوع خاصی نیستند و در همان قالب‌های شرکت هفت‌گانه قانون تجارت فعالیت می‌کنند، اما روشی متمایز برای فعالیت برمی‌گزینند. یکی از شرکت‌هایی که در ایران از آن استقبال شده، شرکت هلدینگ (شرکت مادر) است.

بر اساس تعاریف رایج، بخش اعظم درآمد شرکت‌های هلدینگ، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری است و معمولاً به طور مستقیم به تولید کالا یا خدمات‌رسانی نمی‌پردازند، اما شرکت‌های مادر نه تنها شرکت‌های تابعه را هدایت و کنترل می‌کنند، بلکه خودشان هم در حوزه تولید یا خدمات‌رسانی فعالیت دارند. مؤسسه DBRS در کتابچه راهنمای خود در زمینه رتبه‌بندی شرکت‌های هلدینگ، میان هلدینگ و شرکت مادر تفاوتی قائل شده است و بیان می‌دارد که هر دو اصطلاح هلدینگ و شرکت مادر، مشابه یکدیگرند، با این تفاوت که یک شرکت هلدینگ نوعاً فعالیت‌ی ندارد و تنها به منظور سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تابعه تشکیل می‌شود. این در حالی است که یک شرکت مادر ممکن است در کنار سرمایه‌گذاری و نگه‌داری سهام شرکت‌های تابعه، به فعالیت‌های دیگری مثل فعالیت‌های تولیدی یا خدمات‌رسانی هم بپردازد. در قانون بازار اوراق بهادار که تعریف هلدینگ و شرکت مادر مطرح شده است، بین شرکت‌های هلدینگ و شرکت مادر تفاوتی قائل نشده است و مطابق آن، به شرکت‌هایی که هلدینگ هستند، شرکت مادر هم گفته می‌شود.

بر اساس دستور العمل «شناسایی و ثبت نهادهای مالی فعال در بازار اوراق بهادار نزد سازمان بورس»، شخص حقوقی زمانی به عنوان شرکت مادر (هلدینگ) محسوب می‌شود که بیش از ۵۰ درصد از دارایی‌های آن که به اوراق بهادار اختصاص یافته است، در سهام، سهام‌الشرکه یا واحدهای سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، مؤسسات یا صندوق‌ها سرمایه‌گذاری شده باشد. به موجب این سرمایه‌گذاری، شخص حقوقی به تنهایی یا به همراه اشخاص تحت کنترل خود در شرکت، مؤسسه یا صندوق سرمایه‌پذیر، نفوذ قابل ملاحظه به دست می‌آورد یا کنترل آن را به دست می‌گیرد. منظور از نفوذ قابل ملاحظه، توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد تجاری است، ولی نه در حد کنترل سیاست‌های یادشده. نفوذ قابل ملاحظه معمولاً از طریق انتخاب حداقل

یک عضو هیئت مدیره (دیگر ارکان اداره‌کننده مشابه) صورت می‌گیرد، اما ممکن است از روابط یا قراردادهای دیگر ناشی شود که به واحد سرمایه‌گذار، اجازه مشارکت مؤثر در سیاست‌گذاری را می‌دهد.

شرکت مادر در تعریف، مشابه شرکت هلدینگ است. شرکت مادر، شرکتی است که سهام دارای حق رأی شرکت دیگر را از طریق اثرگذاری بر هیئت مدیره به اندازه کافی می‌خرد.^۱ شرکت‌های مادر نه تنها شرکت‌های تابعه را هدایت و کنترل می‌کنند، بلکه بر خلاف شرکت‌های هلدینگ، خودشان هم در حوزه تولید یا خدمات‌رسانی فعالیت دارند و سهام شرکت‌های دیگر را تملک می‌کنند تا از آنها در فعالیت‌های خود استفاده کنند.^۲ معمولاً زمانی از واژه «شرکت مادر» استفاده می‌کنیم که قسمت اعظم شرکتی در یک کشور قرار دارد و توابع آن در دیگر کشورهای جهان پخش شده باشند که این توابع، نمایندگان آن شرکت بزرگ محسوب می‌شوند و به فروش و توسعه محصولات شرکت مادر می‌پردازند. یک شرکت مادر می‌تواند تمام سهام شرکت دیگر را بخرد و آن شرکت تابعه را به «شرکت تابعه با مالکیت کامل» تبدیل کند. همچنین ممکن است شرکتی جدید تأسیس کند و اکثریت سهام آن را برای خود نگه دارد و باقی آن را برای فروش عرضه کند.^۳

به عبارت دیگر، در حالی که هیچ تفاوت قانونی بین شرکت مادر و شرکت هلدینگ وجود ندارد، وضعیت وجودی دو شرکت با هم متفاوت است و شباهت هر دو در داشتن شرکت تابعه و کنترل آن، سبب یکسان قلمداد شدن این دو شرکت با هم می‌شود. برای مثال، در قانون بازار اوراق بهادار که تعریف هلدینگ و شرکت مادر مطرح شده است، بین شرکت هلدینگ و شرکت مادر تفاوتی قائل نشده‌اند و مطابق آن به شرکت‌هایی که هلدینگ هستند، شرکت مادر هم گفته می‌شود.

بنابراین، باید چنین تعریفی از شرکت مادر بیان کرد تا دربرگیرنده تفاوت‌های موجود با هلدینگ باشد و از آن ابهام‌زدایی کند: شرکت مادر، شرکتی است که علاوه بر فعالیت خدماتی و تولیدی خود، شرکت‌های تابعه را کنترل می‌کند. این شرکت ممکن است این کنترل را با خرید اکثریت سهام دارای حق رأی شرکت‌های موجود یا خرید صد در صد سهام شرکت دیگر یا تأسیس شرکتی جدید و نگاهداری اکثریت سهام آن برای خود به دست آورد.

به طور کلی، تفاوت شرکت هلدینگ و مادر را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. شرکت مادر علاوه بر کنترل شرکت‌های تابعه، فعالیت تجاری خود را نیز دارد، اما

۱. معدنی‌پور، محمود، «استراتژی در شرکت‌های هلدینگ»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۱۵۴۹، ص ۱۱.

2-Koessler, M., "The person in imaginatin or persona fact of the corporation", Louisiana Law Review, 1949, No. 9, p. 440

۳. معدنی‌پور، پیشین، ص ۱۱.

شرکت هلدینگ به طور مستقیم به تولید و خدمات‌رسانی نمی‌پردازد و صرفاً نقش کنترل و مدیریت شرکت تابعه را به عهده دارد.

۲. شرکت مادر ممکن است صد در صد سهام شرکت تابعه را بخرد، در حالی که شرکت هلدینگ به دلیل سیاست‌های مدیریتی، حداکثر تا ۹۹ درصد سهام تابعه را می‌خرد.

۳. شرکت مادر ممکن است شرکتی جدید به عنوان شرکت تابعه خود تأسیس کند، در حالی که شرکت هلدینگ به دلیل اهدافی که دارد، سهام شرکت‌های موجود را می‌خرد.

بند سوم. مقایسه شرکت هلدینگ با شرکت مادر تخصصی دولتی

قوانین حاکم بر هلدینگ‌ها، تابع حقوق خصوصی و حقوق تجارت است و اصولاً در چارچوب مقررات اساس‌نامه، آزادی عمل دارند. نظام حقوقی حاکم بر شرکت‌های مادر تخصصی دولتی، تابع قواعد حقوق عمومی است و در این مورد، مقررات خاصی در نظام حقوقی ایران وجود دارد.

بررسی تعریف‌های ارائه‌شده در قانون محاسبات عمومی کشور (۱۳۶۶) و قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که این تعریف‌ها در کنار «شرکت دولتی»، شرکت دولتی تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، در این دو قانون، مبنا در تعریف شرکت دولتی، دو نهاد حقوقی شناخته شده است:

یک - سازمانی نوعی که ذاتاً شرکت دولتی است؛

دو - سازمانی نوعی که ذاتاً شرکت دولتی نیست، بلکه شرکت دولتی تلقی می‌شود.

بند «ب» ماده ۱۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، از دو نوع شرکت با عنوان «شرکت مادر تخصصی یا اصلی» و «شرکت عملیاتی یا فرعی» نام برده است. اهمیت این عنوان‌ها (شرکت مادر تخصصی یا اصلی و شرکت عملیاتی یا فرعی) با توجه به متن صدر بند «ب» روشن می‌شود: «ب» شرکت‌هایی که دولتی باقی می‌مانند و یا بر اساس این قانون دولتی تشکیل می‌شوند، به استثنای بانک‌ها و بیمه‌ها صرفاً در دو قالب فعالیت خواهند کرد: شرکت مادر تخصصی اصلی و شرکت عملیاتی یا فرعی. بنابراین، با توجه به این تعریف باید تعریف قانون مدیریت خدمات کشوری تنقیح شود، به ویژه با توجه به این که به موجب ماده ۹۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، «از تاریخ تصویب این قانون، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن نسخ می‌گردد.»^۱ بنابراین، شرکت‌های مادر تخصصی، تابع قواعد حقوق عمومی هستند و در برابر اقدامات خود باید پاسخ‌گوی مراجع نظارتی باشند.

۱. کریمیان، محمدوزین، «ابهام دکترینی در مفهوم «شرکت دولتی» در جمهوری اسلامی ایران»،

فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۴۰۲، شماره ۴۴، ص ۲۴.

بند چهارم. مقایسه شرکت مادر با ادغام شرکت‌ها

طبق بند ۱۶ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ادغام عبارت است از: «اقدامی که بر اساس آن، چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل می‌دهند و یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند» هر گاه دو یا چند شرکت به گونه‌ای ترکیب شوند که در نتیجه آن، همه شرکت‌های عضو ترکیب، جز یکی از آن‌ها منحل شود و همه دارایی‌ها و بدهی‌های آن‌ها به شرکت باقی‌مانده تعلق گیرد، این ترکیب را از نوع ادغام می‌نامند. در فرآیند ادغام، تحصیل مستقیم دارایی‌های خالص یک یا چند شرکت از طریق شرکت دیگر مطرح است و موجودیت و شخصیت حقوقی شرکت ادغام‌شونده ضمن جذب از بین می‌رود و در عمل، شرکت ادغام‌شونده منحل می‌شود.^۱

اگر خیلی دقیق نباشیم، هر ترکیب تجاری، ادغام محسوب می‌شود. در ادغام شرکت‌ها، بر خلاف شرکت‌های مادر که سهام شرکت‌های دیگر را می‌خرند، دارایی‌های خالص یک یا چند شرکت به صورت مستقیم خریداری می‌شود و شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شده با جذب از بین می‌رود و مالکیت قانونی خود را از دست می‌دهند، در حالی که شخصیت حقوقی شرکت‌های تابعه همانند قبل پابرجاست و حقوق و ادعاهای طلبکاران دست‌ناخورده باقی می‌ماند. در نتیجه، طلبکاران تابعه نمی‌توانند به دنبال دریافت حق و حقوق خود از شرکت هلدینگ باشند. چون وظایف هر شرکت تابعه از وظایف دیگری متمایز است، زیان‌هایی که بر یک شرکت تابعه وارد می‌شود، برای دیگر شرکت‌های تابعه، تعهدی ایجاد نمی‌کند و مانع از آن می‌شود که به همه سرمایه‌های شرکت هلدینگ زیان وارد گردد.

بند پنجم. مقایسه شرکت مادر با جوینت ونچر (سرمایه‌گذاری مشترک)

جوینت ونچر (مشارکت انتفاعی)، گونه‌ای همکاری مشترک بین بنگاهی برای به نتیجه رساندن پروژه‌های بزرگ است. این نهاد به دو گونه قراردادی و شرکیتی امکان تحقق دارد. بر خلاف گونه شرکیتی، جوینت ونچر قراردادی فاقد شخصیت حقوقی است. چون حقوق ایران، مقرراتی خاص در این زمینه ندارد، برای تبیین مقررات حاکم بر هر یک از دو گونه جوینت

۱. رشوند بوکانی، مهدی، محسن رجالی و امین بدیع صنایع اصفهانی، «ماهیت حقوقی انتقال دیون در ادغام شرکت‌های سهامی و آثار آن بر طلبکاران و بدهکاران غیر سهامدار»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۲، شماره ۸۴، ص ۷۴.

ونچر لازم است به ترتیب، از نهادهای مشابه قراردادی (هم‌چون عقد شرکت) و شرکتی (هم‌چون شرکت سهامی خاص و با مسئولیت محدود) یاری بجوییم.

اصطلاح «جوینت ونچر»، اصطلاح دقیق حقوقی نیست. تقریباً در هیچ یک از نظام‌های حقوقی دنیا، این اصطلاح تعریف نشده است و به این ترتیب نمی‌توان این اصطلاح را در کنار نهادهای حقوقی شناخته‌شده‌ای مثل شرکت سهامی، شرکت تعاونی و مشارکت مدنی قرار داد، بلکه باید توجه کرد که ممکن است در قالب هر یک از این نهادها سازمان‌دهی شود یا اساساً به صورتی باشد که در یکی از قالب‌های حقوقی قرار نگرفته است. به این ترتیب، تنها به عنوان یک رابطه قراردادی بین طرفین موجود فرض می‌شود. در واقع، جوینت ونچر بیش از آن که یک مفهوم حقوقی باشد، یک اصطلاح تجاری - اقتصادی است که می‌تواند اشکال بسیار متنوع به خود بگیرد و در قالب‌های حقوقی متفاوتی سازمان‌دهی شود.^۱

بازرگانان و سرمایه‌گذاران این اصطلاح را برای توصیف یک فعالیت تجاری به کار می‌برند که با دخالت مستقیم دو یا چند شخص مستقل شکل می‌گیرد، بدون این که این اشخاص در هم ادغام شوند و شخصیت مستقل خود را از دست بدهند. به این ترتیب، معمولاً هر گاه دو یا چند شخص مستقل در کنار هم فعالیت تجاری مشترک انجام دهند، برای توصیف این فعالیت از اصطلاح عام جوینت ونچر استفاده می‌شود.^۲

خصایص جوینت ونچر را می‌توان به این ترتیب بیان کرد:

۱. رابطه قراردادی: جوینت ونچر در هر حال بر اساس یک قرارداد استوار می‌شود.
۲. فعالیت مشخص: جوینت ونچر برای یک فعالیت خاص و مشخص تشکیل می‌شود. بنابراین، معین بودن زمینه فعالیت کافی نیست، بلکه باید یک تجارت خاص با ابعاد اقتصادی و جغرافیایی خاص در نظر باشد. در واقع، آن جوینت ونچرها برای انجام مأموریت مشخص تأسیس می‌شود نه فقط برای یک فعالیت در یک زمینه خاص.^۳
۳. کنترل مشترک: دخالت فعال طرفین قرارداد جوینت ونچر در اداره آن از وجوه ممیزه آن است. اگر یکی از طرفین با وجود مشارکت در تأمین سرمایه و سهمیه شدن در سود فعالیت از مشارکت فعال در مدیریت خودداری کند، روابط ایجادشده را تحت عنوان جوینت ونچر نمی‌توان تحلیل کرد.
۴. شراکت در نفع و ضرر: طرفین قرارداد جوینت ونچر در یک مأموریت مشخص همکاری می‌کنند و در سود و ضرر آن شریک هستند و پس از انجام آن مأموریت، این رابطه منتفی می‌شود. البته نسبت این شراکت فاقد اهمیت از آن‌چه مهم است، اصل شراکت است.

1-Clarke, Andrew, Business Entities-practical Guide, Sweet & Maxwell, 1996.

2-Kling, Edward & Ellison, Juljan (co-editores), Joint ventures in Europe, Butterworths, 1991.

3-Buchel, Bettina and other, International Join venture Management, John Wiley & Sons, 1998.

از توضیحات بالا می‌توان فهمید که جوینت ونچر و شرکت هلدینگ با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند که به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱. در جوینت ونچر، طرفین از نظر قدرت تصمیم‌گیری در حالت برابر قرار دارند و یکی به عنوان زیرمجموعه و تحت کنترل تلقی نمی‌شود. شرکت هلدینگ، اکثریت اعضای هیئت مدیره شرکت‌های تابعه را تعیین می‌کند. از این رو، قدرت تصمیم‌گیری کم‌تری نسبت به هلدینگ دارند و با توجه به حق رأی شرکت هلدینگ در خصوص انتخاب اعضای هیئت مدیره در انتخاب همه اعضا دخالت می‌کند و در عمل، شرکت هلدینگ، همه تصمیم‌گیری‌های شرکت تابعه را به طور غیر مستقیم انجام می‌دهد.

۲. جوینت ونچر می‌تواند بین اشخاص حقیقی نیز شکل گیرد و اساساً نمی‌توان آن را همکاری مشترک اقتصادی بین دو یا چند تاجر اعم از حقیقی و حقوقی نامید. با این حال، شرکت هلدینگ صرفاً در قالب یکی از شرکت‌های شناخته‌شده تشکیل می‌شود و استفاده از لفظ «هلدینگ» در خصوص اشخاص حقیقی بلاوجه است.

۳. جوینت ونچر یک نهاد قراردادی است؛ یعنی طرفین بر اساس قرارداد میان خود در یک مأموریت مشخص با برنامه زمانی و بودجه معین فعالیت و در قرارداد، نسبت شراکت در سود و زیان را تعیین می‌کنند. همچنین از نظر اجرایی به صورت برابر برای رسیدن به هدف مقرر تلاش می‌کنند، اما رابطه هلدینگ‌ها قراردادی نیست. شرکت هلدینگ به عنوان شرکت تابعه وارد می‌شود و در همه فعالیت‌های آن (نه صرفاً یک مأموریت خاص) به میزان سهم‌الشرکه خود شریک می‌شود و غالباً وارد مسائل اجرایی نمی‌شود و صرفاً به عنوان تصمیم‌گیرنده و کنترل‌کننده شرکت‌های تابعه در هیئت مدیره نقش ایفا می‌کند.

بند ششم. مقایسه شرکت مادر با تراست

نطفه اصلی ایده جمع‌آوری وجوه از طریق یک امین (تراست) به قبل از قرن نوزدهم برمی‌گردد؛ یعنی هنگامی که ویلیام، پادشاه هلند در سال ۱۸۲۲، دستور تأسیس نخستین تراست را داد. در سال ۱۸۳۳، نوع مشابهی در بلژیک به وجود آمد و نخستین تراست در ایالات متحده، تراست بوستن بود که استادان و کارکنان دانشگاه هاروارد به نام MIT در سال ۱۹۲۴ افتتاح کردند. تراست‌ها با قدرت زیادی که داشتند، باعث تسلط و نفوذ و انحصار بر صنعت و تجارت شدند. بنابراین، دولت‌ها مجبور گردیدند برای مقابله با خطر انحصار تجارت، قوانین ضد تراست ایجاد کنند. برای اولین بار، قوانین ضد تراست در سال ۱۸۹۰ در امریکا ایجاد شد.^۱ تراست از به هم پیوستن شرکت‌هایی ایجاد می‌شود که کالای مشابه تولید می‌کنند و

۱. صبی، موسی، «تحدید تجارت»، مجله حقوق مردم، ۱۳۵۲، شماره ۳۲، ص ۵۰.

سهمی عمده از بازار را تشکیل می‌دهند. تراست به عنوان یک نوع توافق تعریف می‌شود که در آن، تمام سهام شرکت‌های عضو به عنوان امانت نگاه‌داری می‌شود و شرکت‌های عضو تعهد می‌کنند که سهام خود را در اختیار هیچ فرد یا شرکتی به جز تراست قرار ندهند. مالکیت سهام هر شرکت هم‌چنان برای شرکت صاحب سهام باقی می‌ماند، ولی شرکت‌های عضو، استقلال در تصمیم‌گیری مالی و بازرگانی خود را از دست می‌دهند و زمام امورشان در دست تراست هست. وظیفه اصلی تراست، کنترل شرکت‌های عضو از طریق انتصاب مدیران آن‌ها و اعمال نظارت بر امور آن‌هاست و برای کنترل قیمت‌ها و عرضه مقدار معین کالا به بازار اختیارات تام دارد. در نهایت، سود به دست آمده بین اعضا تقسیم می‌شود. تراست به معنای پشتیبان است و از این طریق، شرکت‌های کوچک، حفاظت و پشتیبانی از خود را به یک شرکت بزرگ واگذار می‌کنند.^۱

برخی افراد، به اشتباه، هلدینگ را با تراست یکسان می‌دانند، در صورتی که تفاوت‌های عمیقی بین آن دو وجود دارد. این تفاوت‌ها شامل این موارد است:

۱. یکی از تفاوت‌های تراست و هلدینگ در این است که در تراست، مجموع سهام شرکت‌ها به تراست داده می‌شود، ولی شرکت هلدینگ، سهام شرکت دیگر را تا حدی خریداری می‌کند که بتواند به هیئت مدیره آن شرکت نفوذ کند.
۲. تفاوت دیگر این است که تراست، مالکیت سهام شرکت‌های دیگر را ندارد و تنها امانت‌دار آن‌هاست، در حالی که هلدینگ‌ها، سهام شرکت‌های دیگر را می‌خرند.
۳. تسلط تراست سبب تحریف استقلال مالی و سیاست‌های بازار می‌شود و قوانینی بر ضد آن ایجاد شده است، در حالی که ماهیت شرکت هلدینگ کاملاً با تراست متفاوت است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، مدیریت شرکت‌ها را هلدینگ‌ها به عهده دارند، به گونه‌ای که پایه و اساس تجارت‌های بین‌المللی و بازارهای بزرگ سرمایه‌ای در کشورهای مختلف را شرکت‌های هلدینگ تشکیل می‌دهد.

گفتار سوم. نظام حقوقی حاکم بر شرکت مادر تخصصی دولتی

شرکت مادر تخصصی دولتی، ماهیت دولتی دارد. بنابراین، تابع قواعد حاکم بر حقوق عمومی است. شایسته است تا نظام حقوقی حاکم بر این شرکت‌ها بررسی شود.

بند اول. مبانی نظری تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی

بنا به اقتضائاتی که قانون‌گذاران و سیاستمداران پیش‌بینی کرده‌اند، شرکت‌های مادر

1-Hosseini & other, p. 2932.

تخصصی دولتی در حقوق ایران شکل گرفته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به تفکیک میان اعمال تصدی و حاکمیتی دولت و نیز تمرکززدایی اقتصادی اشاره کرد.

الف) تفکیک امر تصدی از حاکمیتی

بررسی سوابق قانون‌گذاری در ایران به ویژه در عرصه امور اداری نشان می‌دهد که نظریه تقسیم اعمال دولت به حاکمیت و تصدی، تأثیر قابل توجهی در نظام حقوقی کشور داشته است. این نظریه در موضوعاتی نظیر مسئولیت مدنی دولت، لزوم پرداخت یا معافیت از پرداخت هزینه دادرسی توسط دستگاه‌های دولتی، شیوه استیفای مطالبات دستگاه‌های دولتی، وضع حقوق و عوارض و قواعد حاکم بر آن، شکل و ساختار حقوقی دستگاه‌های دولتی و رژیم حقوقی حاکم بر مؤسسات عمومی به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر داشته است. در قوانین و مقررات مرتبط با موضوع اصلاح ساختار نظام اداری کشور به ویژه در سال‌های اخیر، به تقسیم اعمال دولت به حاکمیت و تصدی اشاره شده است.^۱

در استفاده از قالب شرکت‌های سهامی در گذشته، تأسیس و اداره برخی از مؤسسات مستقل دولتی تخصصی گاهی فقط جنبه شکلی و ساختاری داشته است و اگر برخی از مؤسسات عمومی به صورت شرکت دولتی ایجاد شده‌اند، صرفاً به سبب اشتغال آن‌ها به امور تجاری یا اعمال غیر حاکمیتی نبوده است. استفاده و اقتباس از فنون و قواعد حاکم بر شرکت‌های تجاری در مؤسسات مستقل دولتی تا آن‌جا که با اصول کلی حقوق عمومی و اقتضائات اجرایی و عملی سازگار باشد، با مانعی مواجه نیست. هم‌چنان که قاعده خروج از صلاحیت که در حقوق عمومی از جایگاه مهمی در تحلیل اعمال مقامات و مأموران دولتی برخوردار است، از قواعد حاکم بر شرکت‌های تجاری اقتباس شده است. بنابراین، استفاده از شکل حقوقی شرکت دولتی برای مؤسسات عمومی که وظایف به اصطلاح حاکمیتی را بر عهده دارند، به خودی خود ایرادی ندارد.^۲

ب) تمرکززدایی اقتصادی

تمرکززدایی اقتصادی شامل انتقال وظایفی است که قبلاً به طور اختصاصی توسط دولت انجام می‌شد و به بخش خصوصی (خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) واگذار شده است. تمرکززدایی اقتصادی در بخش صنعت، انتقال اختیارات از طرف سطوح بالایی دولت به هیئت مدیره مؤسسات

۱. توازنی‌زاده، عباس، «تأملی بر تأثیر نظریه اعمال حاکمیت و اعمال تصدی بر رژیم حقوقی حاکم بر سازمان‌های دولتی و برنامه‌های اصلاح ساختار نظام اداری ایران»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۸۵، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۶۵.

و شرکت‌های دولتی نسبتاً مستقل و در برنامه‌ریزی اقتصادی منطقه‌ای، ایجاد و توسعه برنامه‌ریزی را به منظور فراهم آوردن داده‌های برنامه‌ریزی در سطح ملی در نظر می‌گیرد.^۱

به منظور تمرکززدایی از امور در دستگاه‌های دولتی و در عین حال، متمرکزسازی فعالیت‌های مشابه و مرتبط با خدمات و فعالیت‌های تخصصی خدماتی، اقتصادی، صنعتی و کشاورزی، بهبود و افزایش بهره‌وری و درآمدها، کاهش هزینه‌ها و توسعه منطقی امور در زمینه‌های یادشده در دولت یا مرتبط با دولت و در یک مجموعه و فراهم آوردن رشد و توسعه متوازن و هماهنگ از طریق به‌کارگیری ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه و نیز تعمیق و توسعه و هدایت و کنترل و نظارت سازنده و شایسته دولت بر زیرمجموعه‌های اجرایی اقتصادی و اهتمام ورزیدن به اهداف مرتبط با موضوعات راهبردی و سیاست‌گذاری، تمامی امور و فعالیت‌های با ساختار و ماهیت فرضاً در رابطه با «فن‌آوری اطلاعات»، «خدمات کشاورزی»، «حمل و نقل» (ریلی، جاده‌ای، هوایی و آبی) که دولت تصدی‌گری تمام و کمال دارد، در «شرکت‌های مادر» یا «اصلی» یا به قول دولت، «مادر تخصصی» جدیدی بر اساس مبنای طرح و ساختار تشکیلاتی تصویب و اجرا گردد که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس شورای نگهبان برسد.^۲

با بررسی مجموعه قوانین و مقررات کشور مشخص می‌شود که نه تنها تعریف واحد و دقیقی از بخش عمومی و خصوصی و همچنین سازمان‌های عمومی و خصوصی وجود ندارد، بلکه گاه قانون‌گذار در بیان مفهوم بخش عمومی و خصوصی و همچنین سازمان‌های عمومی و خصوصی با ارجاع به قوانینی که ارتباط اندکی با موضوع دارند، بر این آشفتگی افزوده است. مشکلات قوانین در این خصوص باعث شده است آن‌چه در واقع، تمرکززدایی محسوب می‌شود، خصوصی‌سازی نام گیرد. اثر این چالش را می‌توان در قانون مدیریت خدمات کشوری به وضوح مشاهده کرد. در این قانون، واگذاری امور یادشده به مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیر دولتی نظیر شهرداری‌ها و سازمان‌هایی چون تأمین اجتماعی که از نظر مالکیت موجب خروج این امور از بخش عمومی نخواهد شد، خصوصی‌سازی نامیده شده، در حالی که عنوان تمرکززدایی، شایسته این نوع واگذاری است.^۳

۱. نقیبی، محمد و مجید تنهایی دیلمقانی، «اثرات تمرکززدایی مالی بر شاخص توسعه انسانی در

ایران»، فصل‌نامه اقتصاد مالی، ۱۳۹۶، سال یازدهم، شماره ۳۸، ص ۱۵۵.

۲. بنی‌هاشمی تهرانی، جمشید، «تأملی کوتاه در تعریف، ارکان و ساختار شرکت‌های مادر تخصصی»،

۱۳۸۵، قابل مشاهده در : www.shora-gc.ir/fa/news/45.

۳. نجفی‌خواه، محسن، «مرز میان بخش عمومی و خصوصی در حقوق ایران با تأکید بر برنامه

خصوصی‌سازی و برون‌سپاری»، مجله برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، سال بیست و یکم، شماره ۴، ص ۱۳۰.

بند اول. شیوه تشکیل

با توجه به ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، شرکت‌های تابعه برای این‌که تشکیل شوند، به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارند؛ زیرا دولتی هستند. البته شرکت‌های تابعه که از قبل وجود داشتند و همگی زیر چتر یک شرکت مادر قرار می‌گیرند، به مجوز دوباره نیازی ندارند، بلکه شرکت‌های جدیدالتأسیس به گونه‌ای به اجازه مجلس شورای اسلامی نیازمندند. تصمیم‌گیری درباره تأسیس شرکت تابعه جدید یا مشارکت در دیگر شرکت‌ها با رعایت قوانین و مقررات مربوط در شرکت‌های مادر تخصصی با مجمع عمومی عادی شرکت است.^۱

طبق اساس‌نامه شرکت‌های مادر تخصصی، اصلاح اساس‌نامه شرکت‌های تابعه با رأی مجمع عمومی شرکت مادر و تصویب هیئت وزیران صورت می‌گیرد. بنابراین، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مرجع تصویب اساس‌نامه شرکت‌های تابعه هم هیئت وزیران است؛ زیرا همان مرجعی صلاحیت اصلاح اساس‌نامه را دارد که آن را تصویب کرده است.

در رابطه با اهلیت شرکت‌های دولتی باید گفت که مطابق یکی از بندهای تبصره ۲ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸ کل کشور، دست زدن شرکت‌های دولتی به عملیات و فعالیت‌های خارج از موضوع و وظایف مقرر در قانون تشکیل و اساس‌نامه آن‌ها ممنوع است و تخلف از این بند در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی خواهد بود. به علاوه به موجب بند «ط» از تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور: «در سال ۱۳۷۸ هر گونه فعالیت تجاری اعم از خرید و فروش کالاهای داخلی و صدور و ورود آن‌ها توسط دستگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و مشمولان ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور که فعالیت بازرگانی جزء وظایف آن‌ها نیست، بدون تأیید وزارت بازرگانی و تصویب هیئت وزیران ممنوع است».^۲

شرکت‌های مادر تخصصی به عنوان یک شرکت دولتی با مجوز مجلس شورای اسلامی یاد می‌شود. با توجه به ماده ۴ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) که در بخشی از آن گفته شده است به دولت اجازه داده می‌شود برای واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساس‌نامه شرکت‌ها اقدام کند، مشخص است مرجع ایجاد شرکت‌های مادر تخصصی، مجلس شورای اسلامی است؛ زیرا قانون برنامه سوم توسط مجلس به تصویب رسیده است. این قانون، اجازه تصویب اساس‌نامه شرکت‌های مادر تخصصی را به دولت داده است و به همین دلیل، اساس‌نامه شرکت‌های مادر تخصصی به

۱. اساس‌نامه شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران.

۲. غضنفری، مهدی و حامی حنانی، «ارزیابی عملکرد شرکت و سنجش متوازن آن»، مجله مدیریت، ۱۳۸۱،

شماره ۶۴ و ۶۵، ص ۳۶.

تصویب هیئت وزیران و سپس به تأیید شورای نگهبان می‌رسد. ماده ۷ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب بیان می‌دارد که این کار به اجازه دولت است. در اساس‌نامه شرکت‌های مادر تخصصی با صراحت بیان شده است که اساس‌نامه شرکت به استناد ماده ۴ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) و ماده ۷ قانون برنامه چهارم توسط هیئت وزیران تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان رسیده است.^۱

بند دوم. موضوع فعالیت

با توجه به این‌که تصویب خط‌مشی‌ها و سیاست‌های شرکت‌های تابعه با شرکت مادر است، شرکت‌های تابعه در راستای موضوع فعالیت شرکت مادر فعالیت می‌کنند. بند ۱۰ ماده ۲۰ اساس‌نامه شرکت مادر بازرگانی دولتی ایران در این باره بیان می‌کند که تصویب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های شرکت‌های تابعه در چارچوب مصوبات مجمع عمومی و وزارت بازرگانی، از وظایف هیئت مدیره شرکت مادر است. در ماده ۲ همین اساس‌نامه، هدف شرکت بازرگانی دولتی ایران، سامان‌دهی فعالیت‌های تصدی‌گری دولت در زمینه تنظیم بازار بیان شده است. واضح است که موضوع فعالیت شرکت‌های تابعه هم در راستای موضوع فعالیت شرکت مادر است؛ زیرا تعیین سیاست‌های توابع با شرکت مادر است.

در واقع، شرکت‌های تابعه به وظایف تصدی‌گری دولت با توجه به موضوع فعالیت شرکت مادر می‌پردازند. شرکت‌های تابعه مانند شرکت‌های مادر، ارکانی هم‌چون مجمع عمومی، هیئت مدیره و بازرس دارند که تحت نظارت شرکت مادر فعالیت می‌کنند. اساس‌نامه شرکت‌های مادر تخصصی، گویای این مطالب است. بند ۷ مصوبه هیئت وزیران (۱۳۸۱/۱/۷) بیان می‌کند: «ذکر اسامی شرکت‌هایی که میزان سهام متعلق به شرکت مادر تخصصی در آن‌ها کم‌تر از پنجاه درصد است، در فهرست شرکت‌های زیرمجموعه به معنای پیوند تشکیلاتی شرکت‌های مزبور با شرکت مادر تخصصی و تبعیت از مقررات عمومی دولت و یا مقررات شرکت مادر تخصصی نیست. شرکت مادر تخصصی در این موارد صرفاً امین سهام دولت برای سهام شرکت زیر مجموعه در حد سهام خود خواهد بود».

بر اساس این بند، تمام سهام همه شرکت‌های زیر مجموعه، متعلق به شرکت مادر نیست. گاهی حتی کم‌تر از ۵۰ درصد سهام آن‌ها از آن شرکت مادر است که البته در این صورت، تابع مقررات شرکت مادر نیستند. از آن گذشته ممکن است با واگذاری به بخش خصوصی هم درصدی از سهام از تملک شرکت مادر خارج شود. بند پیش‌گفته نشان می‌دهد که ممکن است برخی از زیرمجموعه‌های یک شرکت مادر اصلاً دولتی محسوب نشوند و همه آن‌ها از یک نوع یعنی شرکت دولتی نباشند، بلکه با توجه به درصد سهام

۱. اساس‌نامه شرکت مادر تخصصی سازمان سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران، مصوب ۱۳۸۲.

شرکت مادر در آن‌ها ممکن است از ابتدا نیمه دولتی - نیمه خصوصی باشند یا حتی بعدها بر اثر واگذاری به شرکت نیمه دولتی - نیمه خصوصی تبدیل شوند.

بند سوم. شیوه مدیریت

شرکت مادر تخصصی از چهار رکن مجمع عمومی، هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس تشکیل می‌شود. مجامع عمومی شرکت عبارت است از مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده و اعضای مجمع عمومی شرکت مادر تخصصی را نمایندگان دولت تشکیل می‌دهند. در مورد شیوه ارتباط شرکت مادر تخصصی با شرکت‌های تابعه می‌توان به عنوان نمونه اشاره کرد که رییس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مادر بر همه شرکت‌های تابعه نظارت دارد و هیئت مدیره شرکت مادر، پیشنهاد اصلاح اساس‌نامه و انحلال شرکت‌های تابعه را به مجمع عمومی شرکت مادر می‌دهد و برای بررسی و تصویب آن به هیئت وزیران می‌فرستد. برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و برخی قوانین و اساس‌نامه‌های مصوب به شرکت مادر تخصصی پرداخته‌اند، اما میانی و ساختار حقوقی این شرکت‌ها به طور کامل مشخص نیست و معلوم نیست این شرکت‌ها نسبت به دیگر شرکت‌ها مخصوصاً شرکت‌های دولتی چه تفاوت‌هایی دارند.

بند چهارم. نگاهی به رویه قضایی دیوان عدالت اداری در مورد ماهیت شرکت‌های مادر تخصصی

هیئت عمومی و تخصصی صنایع و بازرگانی دیوان عدالت اداری، در مقام رسیدگی به شکایات اشخاص در مقام ابطال مصوبات مغایر قانون یا صدور رأی وحدت رویه در مقام تعارض آرای صادرشده میان شعبه‌های دیوان، شخصیت شرکت‌های مادر تخصصی دولتی را به عنوان خواننده به رسمیت شناخته است. برای نمونه، در پرونده کلاسه ۰۰۰۳۲۷۱/هـ - ع به شماره دادنامه ۰۰۰۳۴۷/۱۰۹۹۷۰۹۰۶۰۰۳۴۷-۱۴۰۱/۵/۳۱-۱۴۰۱، شاکی، ابطال بندهای ۱ و ۳ بخش‌نامه شماره ۱۳۹۹/۱۲/۲۸-۶۰۳۲۱۷۴۷ معاون بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت و بند ۳ دستورالعمل نحوه تأمین آرد واحدهای خبازی جدیدالتأسیس، انتقالی معاون بازرگانی داخلی شرکت مادر تخصصی بازرگانی به شماره ۱۱۹۵۵/۰۵-۴/۳۱-۱۴۰۰ را خواستار شده است.

در نهایت، هیئت تخصصی صنایع و بازرگانی دیوان عدالت اداری به رد شکایت حکم داده است. شعب دیوان به شکایت کارکنان انتقالی سازمان غله کشور به طرفیت شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران در خصوص مزایای پرداخت حق محرومیت رسیدگی و آرای متعارضی صادر کرده‌اند که در نهایت، منجر به طرح پرونده در هیئت عمومی شد. هیئت عمومی دیوان در دادنامه شماره ۱۳۹۷/۶/۱۳-۱۴۰۵ در مقام رفع تعارض آرا تصریح می‌کند:

«نظر به این که به موجب مصوبه شماره ۱۳۸۱/۲/۲۸-۱۳/۵۶۱ شورای عالی اداری، سازمان غله کشور از تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱ منحل شده و پرسنل سازمان مذکور به شرکت مادر تخصصی دولتی ایران و شرکت‌های وابسته منتقل و اعتبارات مربوطه در این خصوص نیز به محل خدمت ایشان تخصیص یافته است، بنابراین، شکایت به طرفیت شرکت مادر تخصصی دولتی ایران به خواسته الزام به پرداخت حق مرخصی مناطق محروم در صلاحیت رسیدگی شعب دیوان عدالت اداری است و دادنامه‌های شعب دیوان به شرح مندرج در گردشکار در حدی که ضمن قبول صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته، مبادرت به صدور رأی در ماهیت شکایت کرده‌اند، صحیح و موافق اصول و مقررات تشخیص می‌شود».

هیئت عمومی در این دادنامه، آرای را صحیح دانسته که شکایت علیه شرکت تخصصی را پذیرفته است. بنابراین، با توجه به آرای صادرشده می‌توان گفت شرکت مادر تخصصی، ماهیت دولتی دارد.

نتیجه‌گیری

نظام قانونگذاری ایران، کم‌تر به بحث شرکت مادر پرداخته و تنها در بند ۲۲ ماده ۱ قانون بورس اوراق بهادار (۱۳۸۴)، شرکت مادر را این‌گونه تعریف کرده است: «شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل شرکت، هیئت مدیره را انتخاب می‌کند و یا در انتخاب اعضای هیئت مدیره مؤثر باشد».

در تعریفی که در قانون اوراق بهادار آمده است، مشاهده می‌شود شرکت مادر را چنانکه بایسته است، جامع و کامل تعریف نکرده است. میزان حق رأیی را نیز که باید به دست آورد تا یک شرکت را به عنوان شرکت سرمایه‌گذار بشناسیم، مشخص نکرده است. در قوانین ایران، هیچ تعریف جامع دیگری در این زمینه وجود ندارد. در حال حاضر، در ایران به دلیل نبود یک تعریف جامع و واضح در این خصوص بین ادغام، تلفیق، اشتراک منافع و شرکت مادر و شرکت سرمایه‌گذاری و دیگر شرکت‌ها و عناوین مشابه تفاوتی وجود ندارد و این به دلیل شباهت‌هایی است که میان این موارد به ویژه شرکت مادر و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است. ترکیب واحدهای تجاری به اشکال مختلفی صورت می‌پذیرد که در نتیجه آن، انواع مختلف شرکت‌های ترکیبی از جمله شرکت هلدینگ، شرکت مادر، شرکت سرمایه‌گذاری و ادغام ایجاد می‌شوند. نبود تمایز مشخص بین انواع این شرکت‌ها و عناوین مشابه و شباهت بعضی از آنها با شرکت هلدینگ در زمینه بهره‌برداری از منابع خود و تحصیل منفعت موجب ناشناخته و نامأنوس بودن شرکت هلدینگ در ایران شده است.

در تشخیص رابطه تبعیت و وابستگی دو شرکت باید دقت کرد تا بین شرکت تابعه و شرکت‌ها و عناوین مشابه آن تمییز قائل شویم و از به کار بردن آنها به جای یکدیگر بپرهیزیم. در خصوص شرکت‌های مادر تخصصی نیز نظام حقوقی ایران دچار آشفتگی شدید است، به گونه‌ای که تفکیک میان بخش عمومی و خصوصی در نظام حقوقی ایران مشخص نیست و این وضعیت سبب شده است وضعیت حقوقی شرکت‌های مادر تخصصی دولتی نیز در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد. هم‌چنین وجود تعریف‌های متفاوت از شرکت دولتی در قانون محاسبات عمومی و قانون مدیریت خدمات کشوری، ابداع مفاهیمی دیگر مانند شرکت‌های مادر تخصصی و تعریف نشدن این شرکت‌ها از سوی قانون‌گذار، ابهام‌های متعدد آفریده است.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی، ۱۳۹۳.
۲. نصیری، مرتضی، **حقوق تجارت بین‌الملل در نظام حقوق ایران**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.

ب) مقاله

۱. احمدزاده، حامد، «نقش شرکت‌های مادر تخصصی در حقوق تجارت بین‌الملل»، همایش ملی استانداردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، حقوق و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۷.
۲. بنی‌هاشمی تهرانی، جمشید، «تأملی کوتاه در تعریف، ارکان و ساختار شرکت‌های مادر تخصصی»، ۱۳۸۵، قابل مشاهده در: www.shora-gc.ir/fa/news/45.
۳. توازنی‌زاده، عباس، «تأملی بر تأثیر نظریه اعمال حاکمیت و اعمال تصدی بر رژیم حقوقی حاکم بر سازمان‌های دولتی و برنامه‌های اصلاح ساختار نظام اداری ایران»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۸۵، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۴. خسروانی، فرزانه و همکاران، «رویکرد استراتژی مذاکره و بازتاب مفاهیم جهت طراحی و تدوین استراتژی‌های کلان سازمانی (مورد مطالعه: شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی)»، پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، ۱۴۰۰، دوره ششم، شماره ۳.
۵. خوش‌پور، حسن، «شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بررسی تطبیقی آن با شرکت‌های مادر تخصصی در فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی»، مجله اقتصاد ایران، ۱۳۸۲، سال دوم، دوره دوم، شماره ۱۹ و ۲۰.
۶. دهقانی نیری، مرضیه، «بررسی اثربخشی و کارآیی شرکت‌های هلدینگ (منتخب) با روش BSC»، اولین کنفرانس سازمان‌های هلدینگ: کارکردها و چالش‌ها، ۱۳۹۰.
۷. رشوند بوکانی، مهدی، محسن رجالی و امین بدیع صنایع اصفهانی، «ماهیت حقوقی انتقال دیون در ادغام شرکت‌های سهامی و آثار آن بر طلبکاران و بدهکاران غیر سهامدار»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۲، شماره ۸۴.
۸. رضایی، علی، «مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه»، مطالعات حقوق

- تطبیقی، ۱۳۹۶، دوره هشتم، شماره ۱.
۹. زندهدل، بابک و یاسر زاهدی قاسمیان، «فرآیندهای استراتژیک در سازمانهای هلدینگ» ماهنامه تدبیر، ۱۳۸۶، شماره ۱۸۲.
۱۰. سام دلیری، یونس، «شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ضرورت وجود آنها در بازار سرمایه کشور»، ۱۳۷۸، مجله اقتصاد، شماره ۴.
۱۱. سبحان‌اللهی، محمدعلی، حسین رحمان دشت و فرزانه اصلی بیگی، «الگوی تعامل استراتژیک در شرکت‌های هلدینگ»، مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳۹۱، شماره ۱۲.
۱۲. شرکت‌کنندگان در میزگرد ماهنامه تدبیر، «شرکت‌های مادر (هلدینگ): الزام یا اختیار؟»، ماهنامه تدبیر، ۱۳۸۳، شماره ۱۴۷.
۱۳. صبی، موسی، «تحدید تجارت»، مجله حقوق مردم، ۱۳۵۲، شماره ۳۲.
۱۴. عابدی فیروزجانی، ابراهیم، «بررسی دکترین گروه شرکت‌ها در حقوق بانکی»، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، ۱۳۹۹، دوره پنجاهم، شماره ۲.
۱۵. غضنفری، مهدی و حامی حنانی، «ارزیابی عملکرد شرکت و سنجش متوازن آن»، مجله مدیریت، ۱۳۸۱، شماره ۶۴ و ۶۵.
۱۶. فاطمی، سید محمدحسین، «شرکت‌های دولتی: مبانی، تعریف و طبقه‌بندی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مطالعات بخش عمومی، ۱۴۰۰، شماره مسلسل: ۱۷۷۸۳.
۱۷. فیضی چکاب، غلام‌نبی و همکاران، «اجرای قاعده اصیل واقعی در شرکت‌های مادر و تابعه: مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، فقه امامیه و حقوق ایران»، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۳۹۹، شماره ۲۵.
۱۸. قالیباف اصل، حسن و فائزه رنجبر درگاه، «بررسی اثر نوع مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها (تجربه خصوصی‌سازی در ایران)»، مجله تحقیقات مالی، ۱۳۸۴، شماره ۱۹.
۱۹. کریمیان، محمدوزین، «ابهام دکترینی در مفهوم «شرکت دولتی» در جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۴۰۲، شماره ۴۴.
۲۰. گودرزی، پروین، «ارتباط شرکت مادر تخصصی با واحدهای زیرمجموعه و نقش صورت‌های مالی تطبیقی»، فصل‌نامه حسابرس، ۱۳۸۱، شماره ۱۴.
۲۱. معدنی‌پور، محمود، «استراتژی در شرکت‌های هلدینگ»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۱۵۴۹.
۲۲. میرزاخانی، رضا، «بررسی فقهی اوراق مرابحه مبتنی بر سهام برای تأمین مالی شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ»، گزارش مرکز پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، شماره ۱۵۴۹.

۲۳. نجفی‌خواه، محسن، «مرز میان بخش عمومی و خصوصی در حقوق ایران با تأکید بر برنامه خصوصی‌سازی و برون‌سپاری»، مجله برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، سال بیست و یکم، شماره ۴.

۲۴. نقیبی، محمد و مجید تنهایی دیلمقانی، «اثرات تمرکززدایی مالی بر شاخص توسعه انسانی در ایران»، فصل‌نامه اقتصاد مالی، ۱۳۹۶، سال یازدهم، شماره ۳۸.

۲۵. هوشمند، محمود و همکاران، «تحلیل عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی از طریق بورس و اوراق بهادار طی برنامه سوم توسعه»، مجله دانش و توسعه، ۱۳۸۹، سال هفدهم، شماره ۳۳.

ج) پایان‌نامه

۱. آتشی گلستانی، مرجان، «ساختار حقوقی شرکت‌های فراملی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.

۲. ذوالفقاری، پگاه، «تبیین ماهیت حقوقی شرکت‌های مادر تخصصی و رابطه آن‌ها با شرکت‌های تابعه و دولت»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲.

2-Latin Source

A)book

- 1-Buchel, Bettina and other, International Joint venture Management, John Wiley & Sons, 1998.
- 2-Clarke, Andrew, Business Entities-practical Guide, Sweet & Maxwell, 1996.
- 3-Hewitt, Iam, Jointventures, Sweet, 2001.
- 4-Kling, Edward & Ellison, Juljan (co-editores), Joint ventures in Europe, Butterworths, 1991.
- 5-Legum, B., Defining investment and investor; Who is entitled to claim?, Sumposium on msking the most of international investment agreements; A common agenda, paris, 2005

B)Article

1-Hosseini, Seyedeh Roudabeh, Pour Mohammadi Fallah, Mosatfa, Bagherlu, Mohammad & Mahmudian, Tahereh, "Holding companies; Straegies and their distinction form large orgabizations,investment,trust and merger", European online Journal of Natural and Social Sciences, 2013, No. 3

2-Koessler, M., “The person in imaginatin or persona fact of the corporation”, Louisiana Law Revieew, 1949, No. 9

3-Ramsay, Ianm, “Holding company liability for the debts of an insolvent subsidiary; A law and economics perspective”, University of New South Wales Law Journal, 1994, No. 17

Comparison of specialized parent and subsidiary companies with similar companies and titles in Iranian and American law

Farideh Amirian Jahromi*

Seyed Mohsen Hosseini Pooya**

Mojtaba Zahedian***

Abstract:

Clause 22, Article 1 of the Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran, approved in 2014, defines the parent company as a company that, by investing in an investable company in order to gain profit, acquires so many voting rights that it elects a board of directors to control the company's operations. Or be effective in the selection of board members. This definition seems to be the correct distinction between parent companies with similar companies (investment company, holding company) and similar titles (combination of companies, joint venture and trust) and determining a specific position for subsidiaries with a similar company (affiliated company). In addition, similar titles (branch and agency) are not given in financial and commercial laws. The specialized parent company and holdings have similarities with subsidiaries and similar titles, but they are not the same. There are many differences and distinctions between these titles, which have many effects on these differences. In the upcoming article, we will compare specialized parent companies and subsidiaries with other companies and similar titles in Iranian and American law. The research method is descriptive and analytical, and the library method was used to collect the sources. The results of this study show that due to the lack of comprehensive and technical laws and regulations in the field of specialized parent companies and holding companies, the terms holding

*.PhD student, Department of Law, Neyshabur branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran
amirian.farideh@gmail.com

** . Assistant Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
(corresponding author) m.hoseini.p@mshdiau.ac.ir

***. Assistant Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
zahedian.mojtaba@yahoo.com

company and subsidiary company are used equally with similar companies and titles, while Each type has its own regulations and from the legal point of view, the structure of these companies is different and distinct from each other. Also, state-owned specialized parent companies can be considered as a special type of holdings, whose position has not been properly explained in Iran's administrative law system..

Keywords:specialized parent company, holding company, American law subsidiary, Iranian law, Government Company.